

ORIGINAL ARTICLE

Identifying the historical process of the formation of the resources of the religious forces mobilization in Saveh city in the process of the Islamic Revolution

Hadi Bayati¹, Hamidreza Moniri^{1*}

¹Assistant Prof, Department of Islamic Theology, Faculty of Theology and Islamic Studies, University of Mazandaran, Babolsar, Iran.

Correspondence

Hamidreza Moniri

Email: h.moniri@umz.ac.ir

How to cite

Bayati, H., & Moniri, H. (2023-2024). Identifying the historical process of the mobilization of the resources of Saveh city in the process of the Islamic Revolution (1963-1978). *Iran Local Histories*, 12 (1), 125-136.

ABSTRACT

The most important goal of this qualitative-descriptive research is the historical investigation of the formation of the resources of the religious forces mobilization in Saveh in the process of the Islamic revolution from 1963-1978. The data collection method is the documents related to the revolution based on Charles Tilly's resource mobilization theory. The research seeks to answer the main question: what was the historical process of mobilizing the resources of religious forces in the process of the Islamic revolution in Saveh? It seems that the components extracted from Charles Tilly's theory are appropriate in explaining how to mobilize the resources of the religious forces of Saveh city in the Islamic revolution process. The findings indicate that in the process of the Islamic revolution in Saveh, the different groups and classes that sought to mobilize resources against the Pahlavi regime include: clergy, marketers, educators (teachers and students) and women. In this period, non-organizational groups centered on clerics were formed and they were mainly active in mosques and religious centers. All sources of power were operating by not using compulsory sources such as weapons, useful sources through information services such as cassette tapes and normative sources with religious ceremonies during the days of Muharram, Safar and Ramadan. The resource mobilization were formed with defensive mobilization with measures such as destroying the statue of the king and aggressive mobilization with strikes, closing markets and demonstrations, and collective actions were associated with two types of "reactive collective action" (strikes) and "initiative collective action" (street clashes between revolutionary forces and regime agents)..

KEYWORDS

Islamic revolution, Resources mobilization, Local history, Saveh, Charles Tilly.

نشریه علمی

تاریخ‌های محلی ایران

«مقاله پژوهشی»

شناسایی روند تاریخی شکل‌گیری بسیج منابع نیروهای مذهبی شهرستان ساوه در فرایند انقلاب اسلامی

هادی بیاتی^۱، حمیدرضا منیری حمزه کلانی^{*۱}

چکیده

مهم‌ترین هدف این پژوهش کیفی - توصیفی بررسی تاریخی چگونگی شکل‌گیری بسیج منابع نیروهای مذهبی در فرایند انقلاب اسلامی در شهر ساوه از ۱۳۵۶-۱۳۵۷ است. روش گردآوری داده‌ها اسناد و مدارک مربوط به انقلاب اسلامی بر اساس نظریه‌ی بسیج منابع چارلز تیلی می‌باشد. بر این اساس، پژوهش درصدد پاسخ به این سؤال اصلی است که روند تاریخی بسیج منابع نیروهای مذهبی در فرایند انقلاب اسلامی در شهرستان ساوه چگونه بوده است؟ به نظر می‌رسد مؤلفه‌های مستخرج از نظریه‌ی چارلز تیلی در تبیین چگونگی بسیج منابع نیروهای مذهبی شهرستان ساوه در فرایند انقلاب اسلامی مناسب است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که در فرایند انقلاب اسلامی در شهر ساوه، گروه‌ها و اقشار مختلف که به دنبال بسیج منابع علیه رژیم پهلوی بودند، عبارت بودند از: روحانیون، بازاریان، فرهنگیان (معلمان و دانش‌آموزان) و زنان. در این دوره گروه‌های غیرسازمانی با محوریت اشخاص روحانی شکل گرفته بود و عمدتاً در مساجد و حسینیه‌ها فعالیت می‌کردند. منابع قدرت با عدم بهره‌گیری از منابع اجبارآمیز همانند سلاح، منابع فایده‌مندانه از طریق خدمات اطلاع‌رسانی همانند نوار کاست و منابع هنجاری با برگزاری مراسم مذهبی در ایام محرم، صفر و رمضان، فعالیت می‌کردند. بسیج تدافعی با اقداماتی همچون تخریب تمثال شاه و بسیج تهاجمی با اعتصاب، تعطیلی بازارها و تظاهرات شکل گرفته بود و کنش‌های جمعی با دو نوع «کنش جمعی واکنشی» (اعتصابات) و «کنش جمعی ابتکاری» (درگیری‌های خیابانی و زد و خورد‌های میان نیروهای انقلابی و عمال رژیم) همراه بود.

واژه‌های کلیدی

انقلاب اسلامی، بسیج منابع، تاریخ محلی، ساوه، چارلز تیلی.

^۱استادیار گروه معارف اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران.

نویسنده مسئول:

حمیدرضا منیری حمزه کلانی

رایانامه: h.moniri@umz.ac.ir

استناد به این مقاله:

بیاتی، هادی و منیری حمزه کلانی، حمیدرضا (۱۴۰۲). شناسایی روند تاریخی شکل‌گیری بسیج منابع نیروهای مذهبی شهرستان ساوه در فرایند انقلاب اسلامی (۱۳۵۶-۱۳۵۷ش). دوفصلنامه تاریخ‌های محلی ایران، ۱۲ (۱)، ۱۲۵-۱۳۵.

مقدمه و بیان مسأله

شهرستان ساوه به عنوان یکی از شهرستان‌های استان مرکزی، پژوهش حاضر درصدد است با استفاده از روش تحقیق کیفی-توصیفی (از نوع مطالعات تاریخی) و با تکیه بر اسناد، به بررسی روند تاریخی کنش‌های جمعی چالش‌گران نیروهای مذهبی در شهر ساوه با استفاده از مدل بسیج منابع چارلز تیلی^۲ بپردازد و به این سؤال پاسخ دهد که روند تاریخی بسیج منابع در فرایند انقلاب اسلامی در شهرستان ساوه چگونه بوده است؟ زیرا به نظر می‌رسد مولفه‌های مستخرج از نظریه چارلز تیلی در تبیین چگونگی بسیج منابع نیروهای مذهبی شهرستان ساوه در فرایند انقلاب اسلامی همخوانی و مطابقت دارد لذا این پژوهش به دنبال آزمون این فرضیه می‌باشد.

پیشینه تحقیقات

در زمینه روند تحقیق انقلاب اسلامی به عنوان اصلی‌ترین رویداد سیاسی تاریخ معاصر کشور ایران، کتب و مقالات زیادی در دست است که روند انقلاب و چگونگی شکل‌گیری جریانات و زمینه‌های ظهور انقلاب تا پیروزی آن در بهمن ۱۳۵۷ را به رشته تحریر درآورده‌اند. تفاوت این نوع بررسی‌های تاریخی با پژوهش حاضر در منطقه جغرافیای مورد مطالعه است. اما در زمینه تاریخ استان مرکزی و شهرستان ساوه تألیفات چندی در دست است: از جمله «تحلیل مقایسه‌ای بسیج منابع در انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی ایران با استفاده از مدل بسیج چارلز تیلی» (۱۳۸۹)، نوشته احسان فرهادی و همکاران که نویسندگان با استفاده از نظریه بسیج منابع چارلز تیلی، به شناسایی فرآیند بسیج در دو انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی ایران پرداخته‌اند و اطلاعات مفیدی در مورد نحوه بسیج منابع در انقلاب اسلامی ارائه می‌دهد. پژوهش حاضر بدون اشاره به بسیج منابع شهرستان‌های استان مرکزی تنها به مقایسه دو انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی پرداخته و هیچ اشاره‌ای به شهرستان مورد مطالعه در مقاله حاضر ندارد. «زمینه بسیج مردمی در انقلاب اسلامی ایران» (۱۳۷۵)، نوشته احمد گل محمدی به صورت کلی به موضوع بسیج مردمی در روند و چگونگی شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران پرداخته است و به صورت موردی به بسیج مردمی هیچ شهری اشاره ندارد. کتاب «انقلاب اسلامی در استان مرکزی» (۱۳۹۹) نوشته احمد رشیدی

بی‌شک ثبت وقایع دوران انقلاب کبیر اسلامی که با مجاهدت گروه‌های مختلف و رهبری امام خمینی که در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ به پیروزی رسید، یکی از مهم‌ترین وقایعی است که می‌بایست به منظور ارج نهادن به از خود گذشتگی و یکپارچگی امت اسلامی در به ثمر رساندن این انقلاب که ریشه در تاریخ این مملکت داشته و از ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ به صورت مبارزه علنی و رویارویی با دولت پهلوی به وقوع پیوست، پرداخت. در این میان یکی از ابعاد عظمت انقلاب اسلامی، میزان ریشه داشتن و نفوذ آن در مناطق محروم و شهرستان‌ها و شرکت فعال مردم این شهرها، در به پیروزی رساندن انقلاب است. چرا که شناخت قلمرو جغرافیایی انقلاب اسلامی (یعنی مکان‌ها و نقاطی که شاهد مبارزات مردمی بوده است) نیز یکی از موضوعات مهم و در عین حال تقریباً فراموش‌شده‌ی حوزه‌ی مباحث مربوط به انقلاب اسلامی است. آنچه تاکنون درباره‌ی تاریخ انقلاب اسلامی گفته و یا نوشته شده است نوعاً حوادث و رخداد‌های عمومی انقلاب را مورد توجه قرار داده و از کنار جزئیات حوادث در گوشه و کنار ایران و حتی خارج از کشور گذشته است. برای شناخت دقیق انقلاب اسلامی و رهبری امام خمینی لازم و ضروری است که تمامی آنچه به وقوع پیوسته است حتی اگر در دورافتاده‌ترین شهرها و روستاها باشد، در تاریخ ثبت و ضبط گردد. این موضوع که می‌توان از آن به «تاریخ‌های محلی انقلاب اسلامی» تعبیر کرد، دستمایه خوبی برای لندی‌شمندان و محققانی خواهد بود که در حال و آینده به مطالعه انقلاب اسلامی خواهند نشست. در همین راستا، استان مرکزی به دلیل جایگاه مولد بنیان‌گذار انقلاب اسلامی و بالتبع شناخته شدن به عنوان یکی از استان‌های تاثیرگذار کشور، جایگاه ویژه‌ای در تاریخ معاصر ایران دارد. در این میان شهرستان ساوه^۱ به عنوان یکی از شهرستان‌های استان مرکزی در روند تحولات سیاسی و اجتماعی منطقه و استان تاثیرگذار بوده و این تأثیرات از جمله در روند شکل‌گیری انقلاب اسلامی ابعاد دیگری به خود گرفت. در این دوره، اقشار مختلف اجتماعی ساوه از جمله، روحانیون، بازاریان و دانشجویان و ... در تحولات سیاسی و اجتماعی انقلاب اسلامی حضور پررنگ داشتند. بر این اساس، با آگاهی و مطالعه نسبی از وقایع دوران انقلاب اسلامی در

همدان، از سمت شرق به استان قم، از جنوب غرب به شهرستان اراک و از جنوب به شهرستان نقرش محدود شده است.

2. Charles Tilly.

۱. شهرستان ساوه بین ۵۰ درجه و ۲۲ دقیقه طول شرقی و ۳۵ درجه و ۲ دقیقه عرض شمالی در شمال استان مرکزی واقع گردیده است. شهرستان ساوه یکی از شهرستان‌های استان مرکزی ایران است که مرکز آن شهر ساوه است. این شهرستان از دو بخش به نام‌های مرکزی و نوبران تشکیل شده‌است. این شهرستان از شمال و شمال غرب به استان تهران، از غرب به استان

منافع؛ منافع مشترکی که ممکن است در اثر تعاملات مختلف با دیگر جمعیت‌ها حاصل شود؛ منافع مدعیان است.

سازمان؛ گروه‌هایی از افراد (البته نه نظام‌هایی مبتنی برهنجارها و ارزش‌ها) که کوشش‌هایشان را برای رسیدن به یک هدف مشخص هماهنگ می‌سازند که هر چه اعضا دارای هويت و ساختار یکدست باشند، گروه سازمان یافته‌تر محسوب می‌شود؛ سازمان مدعیان می‌باشد.

بسیج منابع؛ تلاش هرگروهی جهت نیل به منابعی جهت دست یافتن به عمل جمعی که ضروری می‌باشد، بسیج منابع می‌باشد و کاهش آن، بسیج زدایی می‌باشد.

نکته مهم در مورد انواع منابع این است که منابع ممکن است اجبارآمیز باشد که مجازات‌کننده دیگران اعم از افراد یا حکومت باشد بمانند استفاده از انواع سلاح‌های جنگی و یا اینکه منابع فایده‌مندانه باشد همانند پول یا ابزارهای ارتباط جمعی برای مبارزه که در اختیار چالش‌گران قدرت قرار می‌گیرد؛ و یا منابع ممکن است هنجاری باشد یعنی منابعی که موجب وفاداری و تعهد چالش‌گران قدرت در مقابل حکومت باشد به مانند مجالس سوگواری اهل بیت (ع) (تیلی، ۱۳۸۵: ۱۱۵).

البته لازم به ذکر است چالش‌گران قدرت به شیوه‌های مختلف به بسیج مبادرت می‌ورزند که عبارتند از: بسیج تدافعی، تهاجمی و تدارکی. می‌توان تمایزی خام میان بسیج تدافعی، تهاجمی و تدارکی قائل شد. در بسیج تدافعی تهدیدی از خارج اعضای یک گروه را وامی‌دارد که منابع خود را برای جنگ با دشمن فراهم آورند. اما بسیج تهاجمی اغلب از بالا به پایین است در بسیج تهاجمی یک گروه در عکس‌العمل نسبت به فرصت‌های فراهم آمده برای تحقق منافع که به گرد آوردن منابع می‌پردازد. بسیج تدارکی بدون شک بیش از دیگران دارای خصلت از بالا به پایین است. در این نوع، گروه با پیش‌بینی فرصت‌ها و تهدیدهای آینده به انباشت و ذخیره‌سازی منابع می‌پردازد (تیلی، ۱۳۸۵: ۱۱۱-۱۱۲).

لازم به ذکر است که متغیرهای منافع، سازمان و بسیج منابع، پتانسیل درون گروه‌هایی که با هم علیه اهدافی متحد می‌شوند را نشان می‌دهد در حالی که خارج از گروه، عناصری وجود دارند که سازنده کنش جمعی هستند که عبارتند از: سرکوب یا تسهیل؛ ستیز برای کسب قدرت همیشه بردارنده حداقل دو طرف است. رفتار طرف دوم دامنه‌ای را از سرکوب یا

و هادی بیاتی، نویسندگان در اثر فوق به روند شکل‌گیری انقلاب اسلامی در استان مرکزی پرداخته و تنها در جلد دوم اثر اطلاعاتی در زمینه نحوه بسیج منابع در شهر ساوه ارائه می‌دهد. «انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک (روزشمار استان مرکزی)» (۱۳۹۲)، تألیف گروهی از مؤلفین که در این کتاب روزشمار انقلاب اسلامی در شهرستان‌های استان مرکزی بر اساس اسناد ساواک ارائه شده است. مرتضی دهقان نژاد و همکاران نیز در پژوهشی با عنوان «بررسی تحلیل زمینه‌ها و عوامل تقابل بازاریان با حکومت پهلوی دوم، بر اساس مدل بسیج چارلز تیلی (۱۳۴۰-۱۳۵۷)» نیز به صورت کلی به نقش عوامل تقابل بازاریان با دولت پهلوی دوم پرداخته و هیچ اشاره‌ای به نقش بازاریان شهرستان ساوه و اقشار و طبقات اجتماعی دیگر نکرده‌اند.

بر این اساس، باید اشاره کرد که آثار فوق فقط تحولات تاریخی ساوه و حوادث انقلاب اسلامی در شهرستان‌های استان مرکزی را به صورت کلی مورد بررسی قرار داده‌اند و اثری بر اساس چارچوب نظری چارلز تیلی با عنوان بسیج منابع نیروهای مذهبی و متکی بر متغیرهای: چالش‌گران قدرت، مولفه‌های غیرسازمانی انقلابی، انواع منابع نیروهای مذهبی در فرایند بسیج توده‌ها، انواع بسیج منابع، فرصت و تهدید، سرکوب یا تسهیل، وضعیت قدرت چالش‌گران و نهایتاً کنش‌های جمعی در فرایند انقلاب اسلامی در شهر ساوه انجام نشده است. از این رو این پژوهش از نگاه و دریچه‌ای نو به این مسائل مهم می‌پردازد.

چارچوب نظری تحقیق

چارلز تیلی^۱ در کتاب «از بسیج تا انقلاب» (تیلی، ۱۳۸۵) چگونگی شکل‌گیری فرایند کنش‌های جمعی یک جامعه در وضعیت انقلابی را ترسیم می‌کند. چارلز تیلی مدل ذیل را مدل بسیج می‌نامد (تیلی، ۱۳۸۵: ۸۳). از منظر وی واژه بسیج به شکل متعارف معرفی‌کننده فرآیندی است که به واسطه آن گروهی از حالت مجموعه منفعلی از افراد به مشارکت‌کننده فعال در زندگی عمومی تبدیل می‌شود و البته بسیج‌زدایی فرآیندی معکوس است (تیلی، ۱۳۸۵: ۱۰۵). در این مدل مدعیان در درون گروه خودشان متغیرهای ذیل را دارا هستند به عبارت دیگر عناصر ذیل، عناصر درون گروهی هستند که بر کنش جمعی موثر هستند:

۱. چارلز تیلی (۱۹۲۹-۲۰۰۸م) جامعه‌شناس آمریکایی و از نظریه‌پردازان تأثیرگذار در زمینه مطالعات جنبش‌های اجتماعی است. او به عنوان «پدر جامعه‌شناسی قرن بیست و یکم» و «یکی از جامعه‌شناسان و تاریخ‌دانان برجسته جهان» شهرت دارد.

شناسایی مولفه‌های نظریه بسیج منابع در فرایند تاریخی

انقلاب اسلامی در شهرستان ساوه

۱- چالشگران قدرت

مراد از چالشگران قدرت، گروه‌ها و اقشار و نیروهای اجتماعی هستند که برخلاف رژیم پهلوی با بسیج منابع به دنبال کسب قدرت می‌باشند. مهم‌ترین طبقات دخیل در فرایند انقلاب اسلامی در شهرهای ایران عبارت بودند از: بازاریان، روحانیون، روشنفکران مذهبی، فرهنگیان، دانش‌آموزان، کارگران و کارمندان بودند. با نگاهی به اسناد موجود به این نکته می‌رسیم که چالشگران قدرت در ساوه مانند شهرهای دیگر، همین گونه بودند که نقش هر کدام از این طبقات تبیین می‌شود.

الف: نقش قشر روحانیت

در فرایند انقلاب اسلامی در شهر ساوه یکی از طبقات موثری که بعنوان چالشگران قدرت نقش ایفا می‌کردند روحانیون بودند. روحانیون مبارز شیعه به دلیل توانایی در استفاده از عوامل انسانی (فردی و گروهی، عینی و واقعی، ذهنی و اندیشه‌ای، سازمانی و تشکیلاتی) و نیز «عوامل الهی (امدادهای الهی)»، برای ایجاد تحول در ایران زمان پهلوی، بالاترین نقش را در پیروزی انقلاب اسلامی ایران داشته‌اند (آیت، ۱۳۹۴: ۲۴). آنها توانستند کارکردهای خویش را در عرصه بسیج سیاسی در مقاطع مختلف تاریخ به ویژه در جریان مبارزات مشروطه و انقلاب اسلامی، با توانایی بسیج چند هزار نفری و چند میلیونی نشان دهند (فرهادی، ۱۳۸۹: ۲۳۰) در راستای نقش آفرینی طبقه روحانیت در فرایند انقلاب اسلامی در شهر ساوه می‌توان به فعالیت‌های روحانیون همانند آیت الله علی موحدی ساوجی، حاج سید علی اسدی (اکبری ساوجی، ۱۳۸۸: ۲۵-۳۰)، شیخ علی محقق (انقلاب اسلامی به روایت اسناد اراک، ۱۳۹۲: ۲/۲۴۸) و شیخ عبدالرضا رئوف (انقلاب اسلامی به روایت اسناد اراک، ۱۳۹۲: ۷۱/۲) اشاره کرد.

ب: نقش قشر بازاریان

در فرایند انقلاب اسلامی در شهر ساوه، طبقه بازاریان مهم‌ترین تأمین‌کننده منابع مالی برای انقلابیون بودند و ارتباط خیلی نزدیکی با روحانیون و دیگر گروه‌های انقلابی داشتند. بازاریان یکی از ارکان پیش‌برنده انقلاب اسلامی به شمار می‌آمدند و در تمامی مراحل پیروزی انقلاب اسلامی نقش اساسی داشتند. چنانچه آنان

تسهیل در بر می‌گیرد. سرکوب هرگونه کنشی توسط گروه دیگر است (که در بحث حاضر حکومت پهلوی است) که هزینه کنش جمعی مدعی را افزایش می‌دهد. کنش که هزینه کنش جمعی یک گروه را کاهش دهد، شکلی از تسهیل است (تیلی، ۱۳۸۵: ۱۴۹).

قدرت؛ تیلی قدرت را اینگونه توضیح می‌دهد: میزان مورد سرکوب، تساهل یا تسهیل قرار گرفتن کنش جمعی یک گروه عمدتاً تابعی از دو عامل است: ۱- میزان کنش، ۲- قدرت گروه. هر قدر که میزان آن کنش بیشتر باشد احتمال سرکوب آن بیشتر است؛ هر وقت که گروه قدرتمندتر باشد احتمال سرکوب آن کمتر است (تیلی، ۱۳۸۵: ۱۷۱). به عبارت دیگر در بحث حاضر مراد از قدرت، میزان برتری یافتن و غلبه منافع گروه‌های متحد در شهر ساوه بر قدرت حکومت پهلوی است که با منافع آن در تعارض بودند.

فرصت و تهدید؛ ارتباط و رابطه میان منافع گروه و وضع کنونی دنیای اطراف، فرصت و تهدید می‌باشد.

منافع و فرصت / تهدید ارتباط تنگاتنگی با هم دارند. مسامحتاً می‌توان گفت که منافع به امتیازات و محرومیت‌هایی که به لحاظ نظری از تعاملات ممکن با دیگر گروه‌ها حاصل می‌آیند و فرصت / تهدید به احتمال واقعی وقوع آن تعاملات اشاره دارند.

کنش جمعی؛ عمل جمعی یک گروه مدعی جهت رسیدن به علایق و اهداف مشترک، کنش گروهی نامیده می‌شود (تیلی، ۱۳۸۵: ۸۴-۸۵).

بنابراین بر طبق مدل بسیج عناصر وسیع موجود در درون یک جمعیت که بر میزان بسیج تأثیر می‌گذارند عبارتند از: میزان منافع مشترک آن جمعیت برای تعامل با دیگر جمعیت‌ها، و میزان شکل‌دهی آن جمعیت به چارچوبی متمایز و شبکه‌ای متمایز: منافع و سازمان آن. قدرت گروه، در معرض سرکوب بودن آن و پیکربندی کنونی فرصت و تهدیدها، در خارج از گروه بیش از هر چیز بر سطح بسیج تأثیر می‌گذارد (تیلی، ۱۳۸۵: ۱۲۳).

بر این اساس، در این پژوهش، بر اساس الگوی بسیج چارلز تیلی، منافع، سازمان‌ها، بسیج منابع، کنش‌های گروهی و فرصت و تهدیدهای شهر ساوه در فرایند انقلاب اسلامی از ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷ بررسی می‌شود.

پ: قشر فرهنگیان (معلمان و دانش آموزان)

فرهنگیان اعم از معلمان و دانش آموزان یکی دیگر از ارکان مهم فرایند انقلاب اسلامی در شهر ساوه محسوب می شدند و در تمام روندهای مبارزه جهت پیروزی انقلاب اسلامی نقش اساسی داشتند. با شروع سال تحصیلی از ابتدای مهرماه ۱۳۵۷، مدارس تبدیل به کانون مبارزه علیه رژیم پهلوی شدند و دانش آموزان و معلمان با انسجامی قابل توجه وارد عرصه انقلاب گردیدند (اطلاعات، ش ۱۵۷۴۲، ۱۳۵۷: ۲۲). نغمه‌ها و اعتراضات علیه حکومت، از همان روزهای نخست مهر شنیده می‌شد، اما اوج‌گیری آن از نیمه مهر و بعد از آن بود. مراکز آموزشی ساوه از ۵۷/۷/۱۵ نیمه تعطیل شدند، دانش آموزان و معلمان با صدور اعلامیه‌ای خواسته‌های خود را اعلام کردند (اطلاعات، ش ۱۵۷۳۲، ۱۳۵۷: ۱۸). آنان آزادی زندانیان سیاسی، ترمیم حقوق و مزایای کارکنان و دبیران آموزش و پرورش در سطح سایر سازمان‌ها، عدم شکنجه زندانیان و عدم شرکت فرهنگیان در اجتماعات فرمایش را خواستار شدند (بیاتی، ۱۴۰۰: ۱۸۰-۱۸۲). در گزارش شهرداری ساوه به ساواک قم در مورد حضور فرهنگیان در اعتراضات تاریخ ۱۳۵۷/۷/۶ آمده است: «از ساعت ۹ روز جاری به مناسبت رحلت امام جعفر صادق (ع) در مسجد میدان ملی حدود ۶۰۰ نفر از بازاریان و فرهنگیان و دانش آموزان اجتماع در ساعت ۱۱ حدود ۳۵۰ نفر در حالی که پلاکاردهای پارچه‌ای در طرفداری از خمینی و اعتراض به اقدامات دولت عراق نمودند از مسجد خارج و به تذکرات توجهی نکرده در کوچه‌های اطراف مبادرت به دادن شعار مضره علیه رژیم سلطنتی و مقدسات ملی نموده و با سنگ و آجر و چوب به مأمورین حمله در نتیجه رئیس قسمت اطلاعات و دو نفر از مأمورین از ناحیه دست و سر و پا مجروح که پانسمان گردیدند. و به یکی از خودروها خسارت وارد در ساعت ۱۲/۳۰ نظم در شهر برقرار ۱۱ نفر از تظاهرکنندگان و محرکین دستگیر شدند البته از تظاهرکنندگان کسی مجروح نگردیده است» (انقلاب اسلامی به روایت اسناد اراک، ۱۳۹۲: ۲/ ۲۱۴). همچنین در تاریخ ۱۳۵۷/۸/۲۷ طبق رونوشت گزارش ژاندارمری ساوه آمده است: «در ساعت ۱۸ یوم جاری تظاهرات [با] شرکت ۲۰۰۰ نفر که اکثراً از اهالی قم می‌باشند با دادن شعارهای ضد ملی به رهبری دکتر فخاریان معاون آموزش پرورش ساوه و آقای قربانی واعظه در جریان می‌باشد. مأمورین آماده هرگونه اقدام می‌باشند» (انقلاب اسلامی به روایت اسناد اراک، ۱۳۹۲: ۲/ ۳۵۱).

با حضور در تظاهرات گوناگون و تعطیلی بازار ضربه اساسی بر پیکره دولت پهلوی وارد آوردند (بیاتی، ۱۴۰۰: ۱۶۸/۲). در زمینه نقش بازاریان در ساوه می‌توان به سند ذیل اشاره کرد: «به‌قرار اطلاع اعلامیه‌ای که در روز ۵۷/۷/۳ تحت عنوان هشدار شدید به ملت ایران مبنی بر محاصره و کنترل شدید خانه آقای خمینی به‌وسیله دولت بعثی عراق در ساوه پخش و منجر به تعطیلی نود درصد مغازه‌های بازار گردید، آقایان ابوالفضل نصیحت فرزند حسین، جواد مؤمن کاشانی فرزند عباس، نورالله کسائی فرزند ابومحمد، مهدی ثمری خلیج فرزند علی‌اکبر شغل کسبه بازار و سید علی معین فرزند سید هاشم و شیخ حسن قربانی فرزند حاج علی پیش‌نمازان مسجد و عباس ملائی فرزند علی شغل محصل، مغازه‌داران را به بستن محل کسب خود تحریک و تهدید می‌نموده‌اند» (انقلاب اسلامی به روایت اسناد اراک، ۱۳۹۲: ۲/ ۲۲۵). حسین اسدی از بازاریان که از شاهدان این رویداد بود این گزارش را تأیید می‌کند (مصاحبه شخصی، ۵ مرداد ۱۳۹۶).

یکی از اقدامات مردم ساوه برای پیشبرد انقلاب اسلامی تعطیلی بازارها بود. چنانچه در اسناد ساواک در مورد تعطیلی بازار ساوه در تاریخ ۱۳۵۷/۸/۱۳ آمده است: «روز جاری بازار و دکانین خیابان‌ها و مدارس در شهر ساوه تعطیل و عده‌ای بیش از ۱۵۰۰ نفر از فرهنگیان و دانش آموزان و کسبه و تعدادی از روحانیون در خیابان‌های ساوه با در دست داشتن عکس آیت‌الله شریعتمداری و خمینی و دکتر علی شریعتی مبادرت به دادن شعارهای مضره نموده و روی پلاکاردهایی که با خود حمل نموده بودند خواستار حکومت اسلامی - آزادی زندانیان ضد امنیتی و برگشت امام خمینی به ایران گشته در ساعت ۱۳/۳۰ در میدان ملی نماز جماعت را برگزار و به تدریج متفرق گشتند» (انقلاب اسلامی به روایت اسناد اراک، ۱۳۹۲: ۳۰۱). همچنین پنجم رمضان سال ۱۳۵۷، حوادثی در اصفهان و سپس شیراز به وقوع پیوست که خون‌گروهی از مردم آن شهرها، توسط مأموران مسلح حکومتی بر زمین ریخته شد. پس از آن وقایع مراجع تقلید قم با صدور اعلامیه‌ای از مردم ایران خواستند تا در اعتراض به اقدامات سرکوبگرانه، روز ۲۶ مرداد کسب‌وکار خویش را تعطیل کنند و اعتصاب نمایند. رضا صفری از شاهدان عینی این واقعه معتقد است بازاریان ساوه نیز با پذیرش دعوت مراجع تقلید، آن روز را اعتصاب کردند و کرکره مغازه‌های خود را بالا نکشیدند (مصاحبه شخصی، ۱۵ مرداد ۱۳۹۶).

ت: نقش زنان

با یک نگاه اجمالی به تاریخ انقلاب اسلامی، می‌توان به خوبی دریافت که زنان مسلمان ایرانی قبل از پیروزی انقلاب، نقش فعالی را در عرصه‌های گوناگون سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، علمی و فرهنگی داشته‌اند که می‌تواند بیانگر این نکته کلیدی باشد که زنان علاوه بر اینکه نزد رهبران انقلاب دارای ارزش والایی بودند، در شکل‌گیری انقلاب اسلامی جایگاه مهمی را داشتند. سند زیر گویای نقش زنان در جریان انقلاب اسلامی در شهر ساوه است: «ساعت ۳۰ / ۱۱ / روز ۳۷/۲/۲۵ (۱۳۵۷/۲/۲۵) هفت زن چادری در حالی که صورت‌های خود را با نقاب پوشانده بودند، ضمن حمل پرچم که روی آن عبارت «ما پیرو قرآنیم» نوشته بود با دادن شعارهای ضد میهنی به تظاهرات در یکی از خیابان‌های شهر ساوه مبادرت کردند که زنان مورد بحث توسط مأمورین انتظامی دستگیر گردیدند» (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۹۲: ۴۰). اطلاعات بدست آمده دیگر از اسدالله توکلی از شاهدان عینی این رویداد، حاکی از آن است که به دنبال زنان مورد بحث حدود ۲۰۰ نفر دانش‌آموز در حرکت بودند که مأمورین انتظامی ابتدا دانش‌آموزان را متفرق و سپس هفت زن نقاب‌دار را دستگیر کردند (مصاحبه شخصی، ۱۳ مرداد، ۱۳۹۶). همچنین در ساعت ۱۱/۳۰، ۷ نفر از زنان چادری نقاب‌دار در شهر ساوه با سر دادن شعارهای «ما پیرو حکومت اسلامی هستیم، ما فاطمیان ساوه قانون خودساخته حکومت ستمکار ایران را برای آزادی زنان نمی‌خواهیم، زنده باد امام خمینی» (مرادپور آرانی، ۱۳۸۷: ۱ / ۲۸۶)؛ یا در مورد اقدامات معلمین و دانش‌آموزان دبیرستان دخترانه ساوه آمده است: «روز ۱۳۵۷/۸/۲ عده‌ای از معلمین و دانش‌آموزان دبیرستان دخترانه ثریا و مدرسه راهنمایی تحصیلی داریوش در ساوه تمثال‌های مبارک اعلیحضرتین و الاحضرت همایون ولایتعهد را که در کلاس‌ها نصب بوده پایین آورده و شکسته و یکی از دانش‌آموزان دختر را که به آن‌ها اعتراض نموده از ناحیه سر مجروح کرده‌اند» (انقلاب اسلامی به روایت اسناد اراک، ۱۳۹۲: ۲ / ۲۷۱).

روحانی در مساجد نقش ایفا می‌کردند (کشاورز شگری، فرهادی، ۱۳۹۰: ۹۰). استفاده از مساجد برای سازماندهی مبارزه در فرایند انقلاب اسلامی در ساوه بر اساس اسناد تاریخی بیانگر نقش مهم این بنای مقدس می‌باشد. به عنوان نمونه در یکی از اسناد ساواک اینگونه آمده است: «علی‌اکبر اصالت با همفکری حاج شیخ احمدی یکی از روحانیون قم که به‌عنوان پیش‌نماز مسجد قاسم‌آباد ساوه به آن شهر آمده و در آنجا ساکن شده مرتباً روزهای جمعه در مسجد حاج مقدس زاده ساوه و شب‌های جمعه در مسجد قاسم‌آباد ساوه جلسات مذهبی تشکیل و اظهاراتی برخلاف مصالح مملکتی می‌نمایند» (انقلاب اسلامی به روایت اسناد اراک، ۱۳۹۲: ۲ / ۲۷).

بنابراین دولت پهلوی همواره در تلاش بود نظارت دقیقی بر مساجد و حسینیه‌ها و فهرست کسانی که در آن مساجد سخنرانی می‌کنند، داشته باشد. مقامات امنیتی با پیش‌بینی بهره‌برداری انقلابیون از منابر و تریبون‌های ماه مبارک رمضان، حدود یک ماه پیش از فرا رسیدن آن ماه، ضمن ارسال تلگراف برای مسئولین مربوطه در برخی شهرها از آنان خواستند تا «لیست کامل از مساجد و منابری که در ماه مبارک رمضان دایر خواهد بود تهیه و همراه با مشخصات صاحبان مجالس و اعضای که به منبر می‌روند تا روز دوشنبه ۵۷/۴/۱۷ تلگرافی اعلام نمایند» (انقلاب اسلامی به روایت اسناد اراک، ۱۳۹۲: ۲ / ۷۴). در سندی در مورد اقدامات ساواک راجع به کنترل مساجد آمده است: «بدین وسیله فهرست مساجد و منابری که احتمالاً در ماه مبارک رمضان در حوزه استحفاظی این شهرستان (ساوه و زرنديه) دایر خواهد بود با مشخصات صاحبان و سرپرستان مربوطه به آن‌ها به شرح لیست تنظیمی اعلام و به آگاهی می‌رساند. تعیین اسامی و اعضای که در مساجد منظور به منبر خواهد رفت قبل از تسلیم تقاضا از طرف متصدیان و نیز تشکیل مجالس احتمالی دیگر در حال حاضر امکان‌پذیر نیست» (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۹۲: ۷۵).

انواع منابع قدرت در فرایند بسیج توده‌ها

طبقه بندی از منابع قدرت عبارت از: الف. منابع اجبار آمیز؛ مانند اسلحه‌های جنگی، نیروهای مسلح و فن آوری دستکاری کننده. ب. منابع فایده مندانه؛ مانند کالاها، خدمات اطلاع رسانی و پول. پ. منابع هنجاری؛ مانند وفاداری‌ها و تکالیف. یک گروه هنجامی اقدام به بسیج می‌کند که کنترل جمعی بیشتری بر منابع اجبار آمیز،

مولفه‌های غیرسازمانی انقلابی در ساوه

مساجد

در کنار نقش بازاریان، فرهنگیان و روحانیون، افسشار و طبقات پایین مذهبی جامعه نیز در جریان انقلاب اسلامی نقش مهمی در بسیج عمومی دارا بودند که این گروه‌ها حول یک شخصیت

فایده‌مندانه و هنجاری به دست آورد و هنگامی بسیج‌زدایی می‌شود که این کنترل را از دست بدهد (تیلی، ۱۳۸۵: ۱۰۵).

انواع منابع قدرت در فرایند انقلاب اسلامی در ساوه

۱- منابع اجبار آمیز

همانگونه که در فرایند انقلاب اسلامی، در میان انقلابیونی که از رهبریت روحانیون و خصوصاً امام خمینی متأثر بودند بهره‌گرفتن از منابع اجبار آمیز را یا وجود ندارد و یا در حد بسیار ناچیز مشاهده می‌کنیم، در فرایند انقلاب اسلامی در ساوه هم، اسناد و منابع تاریخی گویای عدم بهره‌گرفتن از منابع اجبار آمیز همانند سلاح بوده است و می‌توان گفت تمامی مبارزات مسالمت‌آمیز و در قالب استفاده از مساجد، مدرسه‌ها و ... بوده است. به عنوان مثال می‌توان به سند ذیل اشاره کرد: «اخیراً عبدالرضا رئوف یکی دو بار در شبهای جمعه، پس از سخنرانی واعظ مربوطه در حسینیه عشاق الحسین واقع در شهر صنعتی ساوه و خروج افرادی که مورد شناسایی وی و مسئولین حسینیه مذکور نمی‌باشند به منبر رفته و ضمن انتقاد از وضع مملکت نسبت به خاندان جلیل سلطنت نیز توهین نموده است» (انقلاب اسلامی به روایت اسناد اراک، ۱۳۹۲: ۷۱/۲).

بهره‌برداری را در جهت توزیع متون سخنرانی‌های امام به صورت نوار و مکتوب می‌نمودند (مصاحبه شخصی، ۱ مرداد ۱۳۹۶). همچنین احمد نوری در مورد استفاده از کاست و نوار به عنوان ابزار اطلاع‌رسانی می‌آورد: «در سال‌های ۱۳۵۵ با مراجعه حضوری به قم، اعلامیه‌ها و نوارهای امام (ره) را می‌گرفتم و به ساوه می‌آوردم. اول خودم گوش می‌کردم و مخفیانه به افراد امین دیگری می‌دادم» (مصاحبه شخصی، ۱۳ تیر ۱۳۹۶). علاوه بر این در سندی به حضور محمود آشکار یکی از انقلابیون در تکثیر نوار سخنرانی‌های امام آمده است: «در مورخ ۱۴/۱/۱۳۵۷ گروهان ژلندارمی ساوه در تاریخ ۷/۱/۳۷ محمود آشکار^۱ را به اتهام داشتن ۳ حلقه نوار سخنرانی آیات مقیم قم دستگیر و به این سازمان اعزام در تحقیقاتی که به عمل آمد مشارالیه اظهار داشت من نوارها را پشت شهرداری سابق خریداری و تاکنون هیچ استفاده‌ای ننمود و خبری نیز در این مورد نداشته‌ام لذا در اجرای اوامر صادره به ژاندارمری مزبور تحویل که از طریق دادسرای شهرستان ساوه تحت تعقیب واقع گردد که سرانجام کار یاد شده متعاقباً به عرض خواهد رسید» (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۹۲: ۸).

۲- منابع فایده‌مندانه

در فرایند انقلاب اسلامی در ساوه، اسناد و منابع تاریخی گویای بهره‌گرفتن از منابع فایده‌مندانه همانند نوار کاست بعنوان یکی از ابزارهای اطلاع‌رسانی بود. در این راستا گفتنی است پس از حادثه مدرسه فیضیه آشنایی مردم ساوه با امام خمینی بیشتر شد و بعد از رحلت حضرت آیت‌الله بروجردی، مقلدان ایشان، از امام خمینی تقلید نموده و تعداد مقلدان امام امت در منطقه ساوه افزوده شد و آشنایی بیشتر مردم با رهبریت مبارزه انقلابی از طریق شاگردان امام در داخل و خارج کشور فزونی یافته و مبارزات رفته‌رفته متشکل‌تر می‌گردد؛ به طوری که از این ایام به بعد گروهی اقدام به تهیه نوارهای سخنرانی افشاگرانه امام امت نموده و در ساوه اقدام به تکثیر و انتقال آن جهت توزیع در شهرها از جمله اراک و تهران و سایر مناطق می‌نمایند و به دلیل این‌که اتوبوس‌های این منطقه از روستاها به شهر می‌آمدند، ساواک نیز مشکوک نشده و مسافران آن‌ها را تفتیش نمی‌کردند. کاظم اسدی از شاهدان عینی حوادث این دوره معتقد است مبارزان انقلابی از این فرصت حداکثر

۳- منابع هنجاری

در فرایند انقلاب اسلامی در ساوه، اسناد و منابع تاریخی گویای بهره‌گرفتن از منابع هنجاری می‌باشند، یعنی شعائر دینی، با برگزاری مراسم مذهبی در ایام محرم، صفر و رمضان در راستای احیای مفاهیمی مانند صبر و فداکاری، تقویت می‌شد که به عنوان مثال می‌توان به سند ذیل اشاره نمود: «در تاریخ ۵۷/۶/۶ آمده است: «در ساعت ۹ به مناسبت شهادت امام جعفر صادق (ع) مراسمی در ساوه با حضور ۶۰۰ نفر در مسجد ملی برگزار شد. ۳۵۰ نفر از مردم پس از پایان مراسم هنگام خروج از مسجد تظاهراتی برپا کردند که ۱۲ نفر از تظاهرکنندگان دستگیر شدند. در پی این تظاهرات شورای هماهنگی منطقه برای پیشگیری از حوادث احتمالی، وضعیت را در این شهر زرد اعلام کرد» (مرادپور آرانی، ۱۳۸۷: ۵۲/۲). همچنین در تاریخ ۱۳۵۷/۶/۲۳ طی گزارش سازمان اطلاعات و امنیت قم از شهربانی ساوه آورده شده است: «ساعت ۹ صبح عده‌ای حدود ۳۰۰ نفر از جوانان و بازاریان و آموزگاران با دو نفر از پیش‌نمازان ساوه بنام‌های شیخ حسن قربانی

۱. محمود آشکار فرزند محمد، متولد ۱۳۰۴ شهرستان ساوه که دارای شغل آهنگری بود و فعالیت‌های زیادی در مخالفت با دولت پهلوی انجام داده بود (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۹۲: ۸).

ساوه تعطیل شد و فرهنگیان این شهر در یکی از مدارس اجتماع کردند و خواسته‌هایشان را مطرح نمودند. در این روز، همچنین عده‌ای از مردم پس از اجتماع در یکی از مدارس به خیابان‌ها آمدند و راهپیمایی کردند (بیاتی، ۱۴۰۰: ۳۰۵).

۲- بسیج تهاجمی

گروه‌های انقلابی در شهر ساوه در واکنش به فرصت‌های موجود، منابع خود را برای تحقق مطالباتی که پیش از آن به عنوان حقشان تلقی نمی‌شد، بسیج کردند. فرصت‌هایی که انقلابیون در تمامی شهر مثل ساوه داشتند متأثر از حوادثی بود که در کشور بوجود آمده بود، همچون باز شدن فضای سیاسی کشور در سال ۱۳۵۶، فوت دکتر علی شریعتی، سید مصطفی خمینی و شیخ احمد کافی، واقعه آتش سوزی عمدی سینما رکس آبادان، قیام ۱۷ شهریور تهران. لذا با توجه به فرصت‌های بوجود آمده در بسیج تهاجمی، انقلابیون ساوه خواهان تشکیل حکومت اسلامی و سقوط رژیم پهلوی شدند. سند ذیل گویای بسیج تهاجمی توسط گروه‌های انقلابی در شهر ساوه می‌باشد: «ساعت ۹ صبح عده‌ای حدود ۳۰۰ نفر از جوانان و بازاریان و آموزگاران با دو نفر از پیش‌نمازان ساوه بنام‌های شیخ حسن قربانی و سید مصطفی مسئله‌گو بدون اطلاع قبلی در مسجد میدان ملی تجمع و حدود ساعت ۹/۴۵ از مسجد خارج تعدادی شعارهای مذهبی، پارچه‌ای در تأیید آیت‌الله خمینی همراه داشتند» (انقلاب اسلامی به روایت اسناد اراک، ۱۳۹۲: ۲/۱۹۵). در مهر ۱۳۵۷ نیز مردم انقلابی ساوه با تعطیلی بازارها و تظاهرات، مراحل سرنگونی دولت پهلوی را پیش بردند، به طوری در سوم مهر ۱۳۵۷ مردم ساوه به تعطیلی بازار مبادرت نمودند و تظاهراتی علیه دولت پهلوی داشتند. «از ساعت ۹ روز جاری ۹۰٪ مغازه‌های بازار تعطیل از ساعت ۲۰۰۰ حدود ۳۰۰ نفر از جوانان و نوجوانان پس از اتمام نماز از مسجد ملی خارج مبادرت به دادن شعار بر له خمینی و علیه رژیم و مقدسات ملی نموده در طول کوچه‌های اطراف و خیابان یل آباد با دخالت قاطع مأمورین متفرق شدند» (انقلاب اسلامی به روایت اسناد اراک، ۱۳۹۲: ۲/۲۰۸).

و سید مصطفی مسئله‌گو بدون اطلاع قبلی در مسجد میدان ملی تجمع و حدود ساعت ۹/۴۵ از مسجد خارج تعدادی شعارهای مذهبی، پارچه‌ای در تأیید آیت‌الله خمینی همراه داشتند. به تذکرات پلیس که با بلندگو داده می‌شد توجهی نکرد، لذا ضمن تماس با یکی از پیش‌نمازان و تعهد شفاهی مبنی بر خودداری از هرگونه تخریب و اغتشاش چون بیم درگیری می‌رفت ناچار به ممانعت شده جمعیت مذکور که شعارهای مذهبی می‌دادند در طول خیابان‌های فلاحات اجتماع، آقای شیخ ربانی در رد حادثه ۳۷/۶/۱۷ تهران مطالبی ایراد و پس از ۱۰ دقیقه جمعیت به آرامی متفرق، در جریان فوق‌الذکر که هیچ‌گونه حادثه‌ای، درگیری روی نداد، وضعیت در حال حاضر عادی است. کلیه مغازه‌های بازار و اکثریت مغازه‌های خیابان تعطیل است» (انقلاب اسلامی به روایت اسناد اراک، ۱۳۹۲: ۲/۱۹۵).

انواع بسیج منابع در فرایند انقلاب اسلامی در ساوه

۱- بسیج تدافعی

رژیم پهلوی با اتخاذ مواضع و اقداماتی به منابع گروه‌های انقلابی سراسر کشور و از جمله ساوه از سال ۱۳۴۱ شروع به تعرض کرد که منجر به شروع نهضت روحانیون به رهبری امام خمینی شد. گروه‌های انقلابی در ساوه همانند روحانیان، بازاریان، معلمان و دانش‌آموزان و زنان در شهر ساوه دست به بسیج تدافعی زدند. در این راستا گروه‌های انقلابی با توجه به تهدیدی که از سوی رژیم پهلوی علیه آنها می‌شد، منابع خود را گرد هم آوردند تا منافع خود را با اقداماتی همچون اقدامات ذیل حفظ نمایند. در سند ذیل واکنش تدافعی معلمان ساوه، گویای بسیج تدافعی آنها در مقابل رژیم وقت می‌باشد: «صدیق‌ان آموزگار دبستان دولتی غزالی باجیان واقع در جعفرآباد ساوه شاگردان دوره ابتدایی را وادار نموده تمثال همایونی را از کتاب‌های درسی پاره کرده و دور بریزند ضمناً یاد شده تمثال همایونی را که به دیوار نصب شدن سنگ‌باران و دانش‌آموزان را نیز به این کار تشویق نموده است» (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۹۲: ۶۲).

در روز شانزدهم مهر ۱۳۵۶، کارکنان آموزش و پرورش و معلمان در سالن تربیت‌بدنی ساوه اجتماع کردند و در زمینه مسائل آن ایام به بحث و تبادل نظر پرداختند. مدارس راهنمایی و دبیرستان‌های ساوه در این روز تعطیل بود. روز بعد نیز مدارس

فرصت و تهدید در ساوه

مراد این است که رژیم پهلوی در نزدیکی‌های وقوع انقلاب اسلامی دچار چه بحرانها و تهدیدهایی شد که باعث ایجاد فرصت برای همه چالشگران قدرت انقلابی در کل کشور و از جمله در شهر ساوه شد. لازم به ذکر است اساس قدرت حکومت پهلوی مبتنی بر کسب و حفظ مشروعیت و اخذ هویت خاص خود در بین توده‌های مردم بود. ولی به علت قدرت ایدئولوژی رقیب در داخل کشور مبتنی بر اسلام سیاسی و مبارز که از ناحیه امام خمینی و سپس با تسامح از سوی اشخاصی همچون دکتر شریعتی ارایه می‌شد و به تبع عدم یا کم اقبالی به ایدئولوژی رژیم و وجود برخی از مسئولان رده بالای وابسته به بیگانگان و فاسد و مراکزی همچون ساواک و خصوصاً کمیته مشترک ضد خرابکاری که اعتراض گسترده مردم را برانگیخت و نهایتاً رژیم را مجبور به انحلال آن کرد، همه این موارد تهدیدهایی را برای حکومت و فرصت‌هایی را برای چالشگران قدرت بوجود آورد. لذا رژیم در معرض گسترش فاصله در عرصه‌های فرهنگی و اجتماعی با مردم شد در چنین شرایطی، که رژیم با تهدیدهای گسترده و ایجاد فرصت برای انقلابیون مواجه بود، اقدامات پیش‌دستانه‌اش در عرصه‌های گوناگون سیاسی، اقتصادی، اجتماعی همراه با ناکامی می‌شد (عیوضی، ۱۳۸۲: ۵۸-۸۰) و فرصت‌هایی را برای انقلابیون برای انجام اقدامات گوناگون فراهم کرد.

سرکوب یا تسهیل در ساوه؛

هرگونه رفتار رژیم اعم از خشن و یا قانونی که موجب کنش‌های جمعی انقلابیون می‌شد به نوعی اقدامات سرکوب محسوب می‌شود و برای انقلابیون شرایط اعتراض و انقلابی را تسهیل می‌کرد که بر اساس اسناد موجود در شهر ساوه می‌توان به حوادث شهریور ۱۳۵۷ در شهرستان ساوه اشاره کرد که مردم این شهر روزهای مختلف این ماه به تظاهرات‌های خیابانی پرداخته و به مقابله با نظامیان اقدام نمودند. طبق اشاره اسناد باقی مانده از ساواک در این مورد آمده است: «در شهریور ۱۳۵۷ مردم ساوه، ساعت ۲۱/۴۵ روز ۳۷/۶/۱ [۱۳۵۷] حدود ۲۵۰ نفر از افراطیون مذهبی از مسجد مقدس زاده شهر ساوه- استان مرکزی خارج و به تظاهرات اخلاک‌گرانه و دادن شعارهای ضد میهنی و پرتاب سنگ به طرف مأمورین انتظامی مستقر در محل مبادرت کرده‌اند که مأمورین با شلیک دو تیر هوایی آنان را متفرق و دو نفر از آنها را دستگیر کرده‌اند. در این حادثه شیشه‌های یک شعبه بانک صادرات و یک باب مغازه توسط اخلاک‌گران شکسته شده و خساراتی نیز به یک

دستگاه اتومبیل پلیس وارد شده است» (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۹۲: ۲/ ۱۴۹).

در این دوره نظامیان پهلوی با سرکوب شدید اعتراضات سعی در کنترل اوضاع داشتند اما روند به گونه دیگری پیش می‌رفتند چنانچه پیش از این در گزارش مورخ ۱۳۵۷/۸/۲ موضوع اعتراضات در دبیرستان دخترانه ثریا و مدرسه راهنمایی تحصیلی داریوش گفته شد (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۹۲: ۲/ ۲۷۱).

وضعیت قدرت چالشگران در ساوه؛

مراد این است که در حوالی انقلاب اسلامی در کل کشور و به تبع آن در شهر ساوه وضعیت قدرت چگونه بود. در این رابطه می‌توان گفت هرچند شکل حکومت پهلوی مبتنی بر تفکیک قوای سه گانه بود اما در عمل قانون اساسی به ابزاری در دست شاه تبدیل شد. در عمل تمیز میان اختیارات شاه و قوای مقننه قضاییه و مجریه دشوار بود. همه تصمیمات مهم با فرمان‌های شاه ابلاغ می‌گردید و در تمام جنبه‌های عمده سیاست‌گذاری شاه نقش محوری ایفا می‌کرد. کل نظام بر پایه نهادهایی بنا شده بود که همه در حول محور شخص شاه متمرکز بود. نخست وزیران را انحصاراً شاه بر می‌گزید. مجلس به رغم حقوق و اختیارات مصرح در قانون اساسی فقط نقش نمایشی داشت (ازغندی، مرادی جو، ۱۳۹۵: ۱۲-۱۱).

علاوه بر موارد فوق، روحانیت و علما با توجه به شبکه‌های اجتماعی و مردمی که تحت اختیار شان هم دارای قدرت اجتماعی بوده و هم در اثر حمایت‌های مالی مردمی از قدرت اقتصادی در برابر حکومت برخوردار بودند. بازار به علت در دست داشتن بخشی عظیمی از اقتصاد کشور، توان مقابله با رژیم را داشت. مجموعه امتیازاتی که رژیم در دوران مبارزه یک ساله به انقلابیون داد همگی بیانگر قدرت آنها است. شاه علی‌رغم تشکیل دولت نظامی باز هم در مقابل قدرت انقلابیون سر تعظیم فرود می‌آورد و دست به مجموعه اقداماتی زد که بیانگر ضعف وی در مقابل انقلابیون بود. بنابراین قدرت انقلابیون با توجه به منابع تحت اختیارشان به مراتب بیشتر از دولت یا حکومت مرکزی بود (کشاورز شگری و فرهادی، ۱۳۹۰: ۱۰۲-۱۰۱).

کنش‌های جمعی در فرایند انقلاب اسلامی در ساوه

کنش جمعی؛ عمل جمعی یک گروه مدعی جهت رسیدن به علایق و اهداف مشترک، کنش گروهی نامیده می‌شود (کشاورز شگری و فرهادی، ۱۳۹۰: ۸۴). در تحولات انقلابی در شهر ساوه، دو نوع «کنش جمعی واکنشی» و «کنش جمعی ابتکاری» توسط

نتیجه‌گیری

چارلز تیلی در کتاب «از بسیج تا انقلاب» چگونگی شکل‌گیری فرایند کنش‌های جمعی یک جامعه در وضعیت انقلابی را ترسیم می‌کند. الگوی این اندیشمند حوزه جامعه‌شناسی سیاسی انقلاب برای توضیح کنش‌های جمعی، الگوی بسیج است که به منظور تبیین رفتار هر یک از گروه‌های مدعی می‌باشد و دارای متغیرهای ذیل می‌باشد: چالشگران قدرت، مولفه‌های غیرسازمانی انقلابی، انواع منابع قدرت در فرایند بسیج توده‌ها، انواع بسیج منابع، فرصت و تهدید، سرکوب یا تسهیل، وضعیت قدرت چالشگران و نهایتاً کنش‌های جمعی. در این پژوهش، بر اساس الگوی بسیج تیلی، متغیرهای مذکور شهر ساوه در فرایند انقلاب اسلامی از ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷ بررسی شد و نتایج ذیل بدست آمد:

بر اساس اسناد بررسی شده، در فرایند انقلاب اسلامی در شهر ساوه، گروه‌ها و طبقاتی که برخلاف رژیم پهلوی با بسیج منابع به دنبال کسب قدرت بودند، عبارت بودند از طبقه روحانیت، بازاریان، فرهنگیان و زنان.

غیر از طبقات مذکور در فرایند انقلاب اسلامی در ساوه، گروه‌های غیرسازمانی بودند که اگر چه شکل سازمان رسمی نداشتند، اما در روند پیروزی انقلاب تأثیر بسزایی در تهییج و بسیج عمومی داشتند. این گروه‌ها عمدتاً حول محور یک شخصیت، خصوصاً اشخاص روحانی بودند و محل مخصوص و برنامه یا نظامنامه‌ای سازمانی نداشتند و عمدتاً در مساجد و حسینیه‌ها فعالیت می‌کردند.

انواع منابع قدرت در فرایند انقلاب اسلامی در ساوه عبارت بود از عدم بهره‌بردن از منابع اجبارآمیز همانند سلاح‌ها، بهره‌گرفتن منابع فایده‌مندان از طریق خدمات اطلاع‌رسانی همانند نوار کاست و استفاده از منابع هنجاری با برگزاری مراسم مذهبی در ایام محرم، صفر و رمضان.

انواع بسیج منابع در فرایند انقلاب اسلامی در ساوه عبارت بود از اتخاذ بسیج تدافعی با اقداماتی همچون تخریب تمثال شاه و روش بسیج تهاجمی با اعتصاب، تعطیلی بازارها و تظاهرات.

و نهایتاً کنش‌های جمعی در فرایند انقلاب اسلامی در ساوه با دو نوع «کنش جمعی واکنشی» با اعتصابات و «کنش جمعی ابتکاری» با درگیری‌های خیابانی و زد و خورد‌های میان نیروهای انقلابی ساوه و رژیم همراه بود. بر اساس یافته‌های تحقیق پیشنهاد می‌شود پژوهشی در راستای شناسایی روند تاریخی شکل‌گیری بسیج منابع نیروها اعم از مذهبی و غیر مذهبی شهرستان ساوه در فرایند انقلاب اسلامی در سال‌های قبل از (۱۳۵۶-۱۳۵۷ش) هم پرداخته شود.

گروه‌های مختلف انقلابی صورت گرفت. گروه‌های انقلابی در ساوه در مقابل اقدامات تعرضی رژیم شاه همانند تحقیر ارزش‌های دینی به وسیله برگزاری جشن هنر شیراز و یا جشن‌های دوهزار و پانصد ساله، به «کنش جمعی واکنشی» روی آوردند که می‌توان به سند ذیل اشاره کرد: «با فرا رسیدن ماه رمضان، مردم ساوه با تجمع در مساجد شهر و استماع سخنرانی‌های انقلابی مترصد به دست آوردن فرصتی بودند تا خشم خویش را نسبت به سیاست‌های حکومت ابراز کنند و این فرصت در یکی از لیالی قدر دست داد و جمعیتی که گزارش ساواک آن را حدود ۲۵۰ نفر برآورده کرده است از مسجد مقدس زاده خارج و «مبادرت به دادن شعارهای مضره و پرتاب سنگ به طرف مأمورین پلیس و بانک صادرات واقع در میدان ملی آن شهرستان نموده که پلیس به منظور متفرق نمودن جمعیت مبادرت به شلیک سه تیر هوایی می‌نماید. در این حادثه شیشه‌های بانک صادرات و مغازه جنب آن شکسته شده و یک دستگاه خودروی شهرداری ساوه نیز خسارت می‌بیند... ضمناً دو نفر از متظاهرين به وسیله مأمورین انتظامی به شهرداری جلب شده‌اند» (انقلاب اسلامی به روایت اسناد اراک، ۱۳۷۹: ۱۰/۴۵).

همچنین گروه‌های انقلابی در ساوه «کنش جمعی ابتکاری» خود را با اعتصابات، تظاهرات، راهپیمایی‌ها و نزاع‌های خیابانی و حمله و گریز میان نیروهای انقلابی ساوه و رژیم شکل دادند. سند ذیل کنش جمعی شهر ساوه در فرایند انقلاب اسلامی را که خواهان اعتصابات گسترده بودند، نشان می‌دهد: طبق گزارش واصله به ساواک در تاریخ ۱۳۵۷/۲/۲۵ آمده است: «ساعت ۱۱/۳۰ روز ۲۷/۲/۲۵ هفت زن چادری در حالی که صورت‌های خود را با نقاب پوشانده بودند، ضمن حمل پرچم که روی آن عبارت «ما پیرو قرآنیم» نوشته بود با دادن شعارهای ضدمیهنی به تظاهرات در یکی از خیابان‌های شهر ساوه مبادرت کردند که زنان مورد بحث توسط مأمورین انتظامی دستگیر گردیدند. اطلاعات رسیده بعدی حاکیست که در دنبال زنان مورد بحث حدود ۲۰۰ نفر دانش‌آموز در حرکت بوده‌اند که مأمورین انتظامی ابتدا دانش‌آموزان را متفرق و سپس هفت زن نقاب‌دار را دستگیر کرده‌اند (بیاتی، ۱۴۰۰: ۳۰۱). شعارهای ضدمیهنی زنان دستگیر شده در تظاهرات مذکور به شرح زیر بوده است: «ما پیرو حکومت اسلامی هستیم - هموطن بپاخیز - ما فاطمیان ساوه قانون خود ساخته حکومت ستمکار ایران را برای آزادی زنان نمی‌خواهیم - زنده باد خمینی - امروز عزا و اعتصاب عمومی است» (انقلاب اسلامی به روایت اسناد اراک، ۱۳۹۲: ۲/۴۰).

منابع

- اکبری ساوجی، محمد حسین، (۱۳۸۸). *نامداران ساوه*، قم: نشر استاد مطهری.
- انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، روزشمار استان مرکزی، (۱۳۹۲). جلد ۱ و ۲، تهران: وزارت اطلاعات، مرکز بررسی اسناد تاریخی.
- انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، (۱۳۷۹). ج ۱۰، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی.
- آیت، مظفری (۱۳۹۴). نقش روحانیت در پیروزی انقلاب اسلامی ایران، *پیام زمستان*، (۱۱۶)، ۳۸-۲۴.
- بیاتی، هادی، (۱۴۰۰). *انقلاب اسلامی در استان مرکزی*، ج ۲، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- تیلی، چارلز (۱۳۸۵). *از بسیج تا انقلاب*، ترجمه علی مرشدی زاد، تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
- رضوانی، علی اصغر، (۱۳۸۶). *جغرافیای تاریخی ساوه*، *مجله علوم انسانی دانشگاه اصفهان*، ۲۲، (۱)، ۲۹-۴۴.
- عیوضی، محمدرحیم (۱۳۸۲). *تئوری‌های ساخت قدرت و رژیم پهلوی دوم*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- غفاری، علی اکبر، (۱۳۹۱). *دیار سامان: پیشینه تاریخی، فرهنگ باستانی و اعلام جغرافیایی ساوه*، تهران: نشر لاهیتا.

فرهادی، احسان. (۱۳۸۹). *تحلیل مقایسه‌ای بسیج منابع در انقلاب‌های مشروطه و اسلامی بر اساس نظریه چارلز تیلی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه شاهد.

کریمیان، حسن، رحیم نژاد مریم، (۱۳۹۶). *ساوه در گذر زمان (تحولات تاریخی شهر ساوه با اتکاء به منابع مکتوب)*، فصلنامه پژوهش‌های تاریخی، ۹، (۱)، ۳۷۳-۴۰۲.

کشاورز شکری، عباس و فرهادی، احسان (۱۳۹۰). *بسیج منابع در انقلاب اسلامی ایران، فصلنامه پژوهشنامه انقلاب اسلامی*، سال اول، (۱)، ۷۹-۱۰۷.

مرادپور، معصومه، (۱۳۸۷). *روزهای حماسه و نور (گزارش ساواک و شهربانی رژیم پهلوی)*، فصلنامه ۱۵ خرداد، دوره سوم، سال پنجم، (۶)، ۳۲۵-۴۰۸.

مرادی جو، علی جان و ازغندی، علیرضا و ابطحی، سید مصطفی (۱۳۹۸). *چالش‌های سیاسی طبقه متوسط جدید در جمهوری اسلامی ایران*، فصلنامه *مطالعات سیاسی*، ۱۲، (۴۶)، ۶۰-۴۱.

نیکو نظر، کریم، (۱۳۹۸). *سینما جهنم*، تهران، نشر چشمه.

روزنامه

روزنامه اطلاعات، ۱۵ مهر ۱۳۵۷، ش ۱۵۷۳۲، ص ۱۸
_____، دوم آبان ۱۳۵۷، ش ۱۵۷۴۲، ص ۲۲.